

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال یازدهم، شمارهٔ چهل و سوم، پاییز ۱۳۹۸، ص ۸۴-۵۷

بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان

دکتر محمدرضا حاجی آقابابایی* - نرگس صالحی**

چکیده

با پیدایی انقلاب مشروطه و طرح مفاهیم جدید در حوزهٔ فرهنگی و اجتماعی، پرداختن به مسائل تعلیمی مرتبط به زنان نیز مورد توجه قرار گرفت. از اواخر عصر قاجار، شاهد انتشار نشریاتی هستیم که به صورت اختصاصی به موضوعات مربوط به آنان پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر با تأکید بر نخستین نشریات تخصصی زنان که در اواخر دورهٔ قاجار با مدیریت بانوان ایرانی انتشار یافته، مباحث و موضوعات تعلیمی و تربیتی بررسی شده است. این نشریات با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون، به‌ویژه استفاده از آموزه‌های ادب تعلیمی و گونه‌های ادبی همچون شعر و داستان و نمایش‌نامه، در پی تربیت نسل جدید دختران ایرانی بودند که همسو با تحولات پدیدآمده در جامعهٔ آن روز ایران است. آنچه در وهلهٔ اول برای نویسندگان این نشریات اهمیت داشته، تشویق بانوان به علم‌آموزی و کسب دانش است. در این دسته از نشریات به هیچ روی دیدگاه‌های برتری‌جویانهٔ زنانه دیده نمی‌شود و شاید بتوان گفت همچنان نوعی نگاه مردسالار در این مطالب دیده می‌شود. مضامین تعلیمی به کاررفته در این نشریات با توجه به مسائل موجود در جامعهٔ آن روزگار، به‌عنوان گام‌هایی ارزشمند در راستای احیای حقوق زنان در جامعهٔ ایران به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی

ادبیات تعلیمی، دورهٔ قاجار، مطبوعات، زنان.

hajibaba@atu.ac.ir

n.sadvani@gmail.com

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۴/۳۰

تاریخ وصول ۹۸/۱/۱۴

۱. مقدمه

پرداختن به آموزه‌های تعلیمی و بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون برای بازگو کردن مضامین تربیتی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان ایرانی بوده و در دوره‌های گوناگون آثار فراوانی با عنوان ادبیات تعلیمی به وجود آمده است. با یک بررسی اجمالی در متون ادب فارسی، می‌توان به این نتیجه رسید که نگاه مردسالارانه در اکثر این متون تربیتی حاکم است و کمتر توجهی به مسائل زنان از منظر زنان شده است. از میانه عصر قاجار و از رهگذر آشنایی ایرانیان با مسائل و موضوعات دنیای مدرن، اندک‌اندک در حوزه مسائل تربیتی و شیوه بیان آن‌ها تغییراتی پدید آمد و صدای زنان به‌عنوان یکی از گفتمان‌های موجود در جامعه شنیده شد؛ هرچند آن را نمی‌توان گفتمان غالب در آن روزگار به شمار آورد.

با پیدایی انقلاب مشروطه و طرح مفاهیمی همچون حضور زنان در جامعه و تحصیل ایشان، توجه به مسائل تعلیمی زنان نیز رونق یافت و مطبوعات آن دوران در خصوص طرح چنین مسائلی بسیار فعال بودند.

از اواخر عصر قاجار، علاوه بر نشریاتی که در حوزه عمومی منتشر می‌شد، شاهد انتشار نشریاتی هستیم که به‌صورت اختصاصی به موضوعات مربوط به زنان پرداخته‌اند و آموزه‌های تربیتی ویژه ایشان در این نشریات آن دوران دارای جایگاه ویژه‌ای است. در پژوهش حاضر با تأکید بر هفت نشریه تخصصی زنان که از اواخر دوره قاجار با مدیریت بانوان ایرانی انتشار یافته، مباحث و موضوعات تعلیمی و تربیتی طرح شده در این نشریات بررسی شده است. موضوع اصلی این پژوهش، بررسی موضوعات تعلیمی و چگونگی طرح آن‌ها به‌ویژه بهره‌مندی از آموزه‌های ادب فارسی در این نشریات است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره زنان و بحث‌های تعلیمی و تربیتی آن‌ها با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است؛ البته یکی از دلایل این بی‌توجهی را می‌توان نگاه مردسالارانه حاکم بر متون ادب فارسی و توجه بیشتر به تربیت پسران دانست که موجب شده است تا کمتر آموزه‌های تعلیمی برای تربیت دختران مطرح شود. با بررسی‌های صورت گرفته در خصوص موضوع این پژوهش، چندین مقاله به دست آمد که هیچ‌یک

به نقش مطبوعات تخصصی زنان دربارهٔ مباحث تعلیمی پرداخته‌اند؛ از جمله:

- «بررسی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در ادبیات دورهٔ قاجار» (مبینی شورشانی، ۱۳۹۲)؛ در این پژوهش، نویسنده با تأکید بر ادبیات عصر قاجار تلاش کرده است تا نقش زنان را در ارتباط هرچه بیشتر ادبیات با جامعه بررسی کند.

- «بازتاب جایگاه اجتماعی زن عصر قاجار در نثر آن دوره» (سنایی، ۱۳۸۶)؛ در این پژوهش با تکیه بر نثر دورهٔ قاجار به نقش زنان در اجتماع و چگونگی حضور آنان در عرصهٔ جامعه پرداخته شده است.

۲. معرفی نشریات تخصصی زنان

از اواخر دورهٔ قاجار با گسترش انتشار مطبوعات و توجه عامهٔ مردم به نشریات، آرام آرام نشریات تخصصی نیز جای خود را در میان دیگر نشریات گشود و شاهد رونق گرفتن انتشار مطبوعات با موضوعات تخصصی هستیم. در همین دوران به سبب شکل‌گیری اندیشهٔ تجدد و ترقی ملت ایران و همچنین رخ دادن انقلاب مشروطه و طرح مسائل تازه در جامعهٔ ایرانی، زنان نیز در عرصه‌های گوناگون اجتماعی به‌ویژه روزنامه‌نگاری حضور یافتند. در این دوران، نشریات تخصصی در حوزهٔ مسائل مرتبط با زنان نیز منتشر شده است که با بررسی‌های صورت گرفته و بر اساس منابع موجود، هفت نشریه شناسایی گردید که به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

نخستین نشریهٔ تخصصی زنان، نشریهٔ *دانش* است که در تاریخ ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ ق (۲۳ شهریور ۱۲۸۹ ش) به مدیریت خانم دکتر کحال، دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی، به صورت هفتگی در تهران انتشار می‌یافت. نشریهٔ *دانش* به صورت کاملاً تخصصی به موضوع زنان پرداخته است و در دیباچهٔ نشریه چنین آمده است که «روزنامه‌ای است اخلاقی. علم‌خانه‌داری. بچه‌داری. شوهرداری. مفید به جان دختران و نسوان و به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند» (صفوت، ۱۳۲۸: دیباچه). این نشریه سعی دارد تا الگویی مناسب برای رفتار دوشیزگان جوان و زنان و مادران ارائه نماید تا راه پیشرفت و ترقی مملکت را هموارتر کنند.

دومین نشریهٔ تخصصی بانوان، با عنوان *شکوفه* از ذی‌الحجه سال ۱۳۳۰ ق (آبان

۱۲۹۱ش) به مدیریت مریم عمید سمنانی مزین السلطنه در تهران منتشر می‌شد. در دیباچه نشریه، درباره موضوع آن چنین آمده است: «روزنامه‌ای است اخلاقی ادبی حفظ‌الصحه اطفال خانه‌داری بچه‌داری مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیة اخلاق زنان راجع به مدارس نسوان مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد پذیرفته می‌شود» (عفت‌زمان، ۱۳۳۰: دیباچه). آنچه بیش از هر چیز برای این نشریه اهمیت دارد، بحث مدارس دخترانه و لزوم تحصیل ایشان است که به صورت مقالات و مکتوبات پی‌درپی در نشریه به آن پرداخته‌اند.

نشریه *زبان زنان* از دیگر نشریات تخصصی زنان در دوره قاجار است که از سال ۱۲۹۸ و با مدیریت صدیقه دولت‌آبادی در اصفهان و سپس در تهران منتشر می‌شد. به دلیل آنکه در آرشیو کتابخانه ملی شماره‌های نخست این نشریه موجود نیست، مطالب سال ۱۳۰۱ به بعد نشریه بررسی شده است. در یک نگاه کلی، هدف نشریه *زبان زنان*، تربیت و تحصیل دختران و زنان است و برای این امر از مطالب علمی، ادبی، اخلاقی و گاهی سیاسی نیز بهره گرفته است.

چهارمین نشریه تخصصی زنان در اواخر دوره قاجار، نشریه *جهان زنان* با مدیریت فخر آفاق پارسا، در سال ۱۲۹۹ در مشهد کار خود را آغاز کرد. هدف این نشریه، تعلیم سبک زندگی و انتشار مقالاتی درباره لزوم تعلیم زنان بوده است. «این نامه فقط راجع به امور زندگانی و لزوم تعلیم زنان نگارش می‌یابد. صفحات این نامه برای درج مقالات علمی و اخلاقی راجع به زنان باز است» (جهان زنان، ۱۲۹۹: دیباچه). نشریه *جهان زنان* همراه دیگر نشریات تخصصی زنانه، سعی در گسترش تعلیم و تربیت زنان جامعه روزگار خود داشت و هدف اصلی خود را تربیت زنان قرار داده بود.

نشریه *عالم نسوان* پنجمین نشریه تخصصی بانوان است که در سال ۱۲۹۹ با مدیریت نوابه خانم صفوی در تهران انتشار یافت. در مرام‌نامه این نشریه آمده است: «غرض از تأسیس عالم نسوان تعاون در تعالی و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت وطن و خانواده و حسن اداره امور بیتی می‌باشد» (عالم نسوان، ۱۲۹۹: دیباچه). هدف این نشریه ترویج اصل حضور زنان در اجتماع است.

ششمین نشریه تخصصی زنانه با عنوان *نامه بانوان* به مدیریت شهرناز آزاد در سال

۱۲۹۹ در تهران منتشر می‌شد. در این نشریه با تمرکز بر جنبه اجتماعی و ادبی، مطالبی دربارهٔ تعلیم بانوان و ترقی مملکت منتشر شده است. در دیباچهٔ نشریه، مدیران آن تأکید کرده‌اند: «این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است» (آزاد، ۱۲۹۹: دیباچه) و به دست آوردن امکان تحصیل دختران یکی از اهداف نویسندگان این نشریه است که در مقالات گوناگون به آن پرداخته است.

نشریهٔ جمعیت *نسوان وطن‌خواه*، هفتمین نشریهٔ تخصصی زنان در عصر قاجار است که در سال ۱۳۰۲ با مدیریت ملوک اسکندری در تهران منتشر می‌شد. در این نشریه، بیش از دیگر نشریات به ادبیات به‌عنوان ابزاری برای طرح مسائل تعلیمی توجه شده و تقریباً بیشتر موضوعات و مطالب تربیتی زنان در این نشریه با بهره‌گیری از آموزه‌های ادبی بیان شده است.

۳. بحث و بررسی

مهم‌ترین موضوعات تعلیمی و تربیتی که در اواخر عصر قاجار در نشریات تخصصی زنان مطرح شده، توجه به آموزش و تربیت دختران و بهره‌مندی از آموزه‌های ادبی در جهت تأثیرگذاری هرچه بیشتر مطالب تعلیمی است. مهم‌ترین موضوعات تربیتی مطرح شده در این نشریات را می‌توان در حوزه‌های تبیین جایگاه زنان در اجتماع و آموزش سبک زندگی بر اساس تحولات پدیدآمده در اجتماع دانست.

۳-۱. تبیین جایگاه اجتماعی زنان

زنان ایرانی تا پیش از انقلاب مشروطه، حضور چندان پررنگ و قابل توجهی در اجتماع نداشتند و نهایت دانش آموختگی برای ایشان محدود به سواد قرآنی و اندکی متون ادبی بود. از میانهٔ دورهٔ قاجار به‌واسطهٔ گسترش ارتباطات با اروپا و دیگر نقاط جهان، رفته‌رفته بحث لزوم حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی به‌ویژه داشتن حق تحصیل مطرح گردید و با تلاش گروهی از آزادی‌خواهان و روشنفکران ایرانی، نخستین مدارس اختصاصی زنان راه‌اندازی شد.

موضوع حق تحصیل زنان ایرانی و حضور ایشان در اجتماع در این نشریات به‌شدت

پیگیری می‌شد. به عقیده نویسندگان نشریه شکوفه، «اساس هر مملکت ترقی و پیشرفت هر ملت بسته به وجود زن‌های آنجاست و اگر خوب ملتفت شوید خواهید دید که همین است و لاغیر زیرا که اگر زن نبودی اساس عالم و اداره هر خانواده بکلی منهل^۲ شدی» (بی‌نام، ۱۳۳۰ الف: ۲۲).

در ادامه همین نگرش، در مقاله‌ای به قلم یکی از زنان آن دوره، درباره عدم حضور زنان در اجتماع چنین آمده است: «زن نجیبه و خوب آن زنانی را می‌دانستند که در نهایت بی‌علمی و بی‌سوادی و جهالت زندگی می‌نمایند و جهت این بود که معلم و مربی نداشتند» (بی‌نام، ۱۳۳۱: ۵۰). این عبارت به‌خوبی نشانگر تغییر نگرشی است که اندک‌اندک در جامعه آن روز ایران در حال شکل‌گیری بود.

در نشریه جمعیت نسوان وطن‌خواه، بحث تعلیم و تربیت در ابتدا به‌صورت امری مشترک میان دختران و پسران مطرح می‌شود؛ یعنی نشریه سعی دارد تا موضوع حضور زنان را امری عادی جلوه دهد و این فکر را در جامعه جا بیندازد که دختران و پسران در امر تحصیل یکسان هستند. به نوشته ملوک اسکندری، «علم مهم‌ترین وسیله ترقی و مستقیم‌ترین راه تمدن هرآیینه مراعات و اشاعه این قاعده و افاضه این فایده است که به مقتضای "طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة" تحصیل علم و کمال و ترقی از حیض جهالت و اهمال واجب و فریضه‌ای است بر تمام افراد مسلمین ذکوراً و اناثاً» (۱۳۰۲: ۴).

در مقاله دیگری در این نشریه با عنوان «جنت تحت اقدام الامهات» (بی‌نام، ۱۳۰۲ الف) آمده است که «مردهای روشن‌فکر از روی اختیار یا اجبار بالاخره این موضوع را اقرار می‌کنند که زن عضو عامله اجتماع است» (همان: ۲۰) موضوع تحصیل دختران از دیدگاه نویسندگان، موضوعی اساسی بوده است و ایشان معتقد بودند که لازم است همراه با آموزش پسران، دختران نیز امکان تحصیل داشته باشند «تا به همان اندازه که پسران تحصیل می‌نمایند همان‌طور اسباب تسهیل تعلیم و تعلم دختران که مادران فردا خواهند بود فراهم شود» (رفعت‌زاده، ۱۳۴۰ ق: ۹۴).

البته در تمامی این مقالات یک موضوع مشترک است و آن این است که زنان به‌سبب

- آنکه مادران آینده هستند و مردان نامی از دامان ایشان تربیت خواهند شد، تربیت و تحصیل ایشان امری ضروری است.^۳
- «چون زن همراه و حامی مرد است برای این کار باید تربیت شود» (بی‌نام، ۱۳۳۰ق: شماره ۲).
- «[زن‌ها] معلم اول و مربی ابتدایی قسمت دوم (مردها) واقع گردیده‌اند» (بی‌نام، ۱۳۳۲ق: ۸۷).
- «زن جاهله غافله حاصل دسترنج شوهر خود را متفرق و پراکنده می‌گذارد و موجبات دلسردی خود و شوهرش را فراهم می‌سازد و نتیجه زندگانی ایشان بیهوده تلف می‌گردد» (میلاذ افندی، ۱۳۰۱: ۹).
- «نسوان که نیز لازم است تربیت شده و دانشمند بار آیند تا بتوانند اولاد خود را نیکو تربیت کرده موجبات آسایش همسر و فامیل خود را فراهم کنند» (شیرازی، ۱۳۰۱: ۱۲).
- «تعلیم زنان واجب‌تر از مردان است که دانشمندی مردان بسته بدانشمندی زنان می‌باشد نه بالعکس» (بی‌نام، ۱۲۹۹الف: ۲).
- «زنان باید تحصیل کرده و تربیت‌شده باشند تا بتوانند وظایف مادری و خانه‌داری را انجام دهند» (بی‌نام، ۱۳۰۲ب: ۱).
- در نشریه *زبان زنان* برخلاف دیگر نشریات، به حضور گاه‌گاه زنان دانشمند ایرانی اشاره شده است: «علم باعث پیشرفت زنان است. امروز به واسطه نور دانش در صفحه تاریخ تاریخ زنان ایران، گاه‌گاه نام زنان دانشمند را می‌خوانیم» (دولت‌آبادی، ۱۳۰۱: ۲).
- در نشریه *جهان زنان* نیز بر موضوع حضور زنان دوشادوش مردان تأکید شده است و نویسندگان آن عقیده دارند که زن نیز در زندگی و تحصیل باید با مردان مشارکت کند و همانند آن‌ها از این حق برخوردار باشد: «برای همان اوقاتی که ما هم برای کمک و معاونت به همسران خود دست غیرت از آستین به‌در نموده، در زندگانی و تحصیل معاش با آن‌ها شرکت می‌نماییم» (بی‌نام، ۱۳۴۰ق: ۵-۴).
- نشریه *عالم نسوان* بیش از هر چیز بر تساوی حقوق زنان و مردان در امر تحصیل تأکید دارد. به عقیده نگارندگان این نشریه، زنان بخشی از هویت اجتماع را تشکیل

می‌دهند؛ از این رو باید امکاناتی برابر با مردان داشته باشند. «او نیز دارای احساسات، عواطف، مزیت‌ها و بالاخره نواقص، ضعف‌ها و احتیاجات بشری می‌باشد و لازم است که سهمیه عادلانه خود را از علم و تجربه حاصل نموده لوازم زندگانی خویش را تأسیس نماید» (محمودی، ۱۲۹۹: ۳۲-۳۱).

نشریه *نامه بانوان* برای اثبات آنکه زنان باید تحصیل کنند، از یک رویداد خبری استفاده می‌کند. ظاهراً دختری هشت‌ساله برای نخستین بار روزه می‌گیرد و چون تحمل تشنگی ندارد، از مادر آب می‌خواهد و مادر می‌گوید که روزه‌اش را نگه دارد. کودک بر اثر تشنگی مفرط فوت می‌کند. نویسنده علت فوت کودک را نادانی مادر می‌داند و نتیجه می‌گیرد که «این است یکی از مضرات عدم تعلیم نسوان» (نامه بانوان، ۱۲۹۹: ۵).

بر اساس آنچه در این نشریات مطرح شده، بیشترین تلاش ایشان برای به دست آوردن حق تحصیل و آموزش است. نکته قابل توجه آن است زنان در این بازه زمانی به هیچ روی در پی برتری جوی نسبت به مردان یا حتی برابری با ایشان نیستند، بلکه اگر خواهان حق تحصیل هستند، برای آن است که بتوانند مردان خوبی تربیت کنند تا ایشان آینده بهتری را برای جامعه پدید آورند. در حقیقت همان نگاه مردسالارانه در اندیشه زنان آن روزگار رسوخ کرده است و این موضوع می‌تواند نشانگر ترس ایشان از سنت رایج و یا نوعی سیاست‌ورزی و حرکت گام‌به‌گام به سوی اهداف بلندمدت باشد. نویسندگان نشریات تخصصی زنان بر این باور بودند که نخستین گام برای ترقی هر ملتی و «راه علاج و مهم‌ترین طریق اصلاح فقط و فقط تربیت نسوان است» (هدایت، ۱۳۰۲: ۱۰) و «سعادت و خوش‌بختی غیر از آموختن علوم و فنون اکثر ملت بالاخص دوشیزگان» نیست (بی‌نام، ۱۳۰۱: ۱۶-۱۷).

در نشریه *عالم نسوان* در مقاله‌ای با عنوان «چرا ما ترقی نکرده‌ایم»، عقیده بر آن است که دلیل ترقی نکردن و پیشرفت نکردن بانوان ایرانی، ناشی از نوع برخورد مردان است. مردان ایرانی زنان را پست و حقیر می‌شمارند و برای پیشرفت آنان قدمی بر نمی‌دارند. «رجال ایران نسوان را جزء انسان ندانسته بلکه پست‌تر از حیوان می‌دانند مردان اروپا در مجالس و معابر تا چه اندازه احترام زنان را رعایت می‌کنند برعکس آقایان ایرانی به

متنهادرجه، آنان را پست و حقیر می‌شمارند چون زمام امور مملکت به دست آن‌هاست» (پ. ن.، ۱۲۹۹: ۲۵).

در ادامه، نویسنده عقیده دارد که این رفتار مردان جامعه به سبب حفظ ناموس و شرافت زنان است، اما همین نوع برخورد خود موجب رفتار عکس از سوی زنان می‌شود و به جای حفظ شرافت، عفت زنان را خدشه‌دار می‌کند. «هرساله عده کثیری از زنان عقیفه به زنان معلوم‌الحال ملحق شده، از نجابت و شرافت بیزار و متنفر می‌شوند» (همان: ۲۷). نویسنده عقیده دارد که زنان با حفظ نجابت خود تسلیم جامعه مردانه می‌شوند و باید خود را از تمام لذات محروم کنند؛ از این‌رو پذیرای این‌گونه از نجابت نیستند. «برای اینکه می‌بینند نجابت یعنی زنده در گور رفتن نجابت یعنی از تمام لذایذ و نعمات دنیا محروم بودن نجابت یعنی اسارت در تمام عمر نجابت یعنی ذلت و حقارت...» (همان: ۲۷).

در شماره بعدی، این مقاله نویسنده سعی دارد تا به زنان پیام‌زده که بدون وجود مدرسه نیز باید به فکر ترقی و تحصیل باشند. به عقیده نویسنده، زنان در محافل دوستانه خود به جای پرداختن به مباحث علم و دانش، صحبت‌های بیهوده می‌کنند. «متوسطین خانم‌های تربیت‌شده ما از توری و روبان و لباس صحبت می‌کنند صحبتشان منحصر است به عیب‌جویی از یکدیگر و تمسخر از لباس و توالی و نواقص عصرانه و نهار میزبان» (محمودی، ۱۲۹۹: ب: ۳۱).

۲-۳. آموزش سبک زندگی

ترویج سبک زندگی بر اساس تحولاتی که در جامعه آن روز ایران در حال رخ دادن بود، از دیگر موضوعات تعلیمی است که در نشریات تخصصی زنان در اواخر عصر قاجار بسیار به آن پرداخته‌اند. در تمامی نشریات زنانه اواخر قاجار، مطالبی تحت عنوان «حفظ‌الصحه» یا «دختر خوب کدام است؟» یا «لزوم تربیت نسوان» (منگنه نورانی، ۱۳۰۲)، «دستور پرستاری و توجهات اطفال» و... منتشر می‌شد که سعی داشتند تا روش صحیح زندگی را به زنان بیاموزند.

در مجله جهان زنان، مقالاتی با عنوان «دستورات لازم برای خانه‌داری» منتشر می‌شد تا به زنان و دختران جوان آموزش دهد چگونه لوله چراغ را نشکنند یا ظروف مسی را

سفید کنند و یا از سوختن لباس جلوگیری نمایند. در نشریه جمعیت نسوان وطن‌خواه نیز مقالاتی با عنوان «لزوم حفظ‌الصحه» منتشر شده است و در آن‌ها درباره اهمیت آموزش و تعلیم در راستای بهتر شدن سبک زندگی و تأثیر آن در بهبود زندگی بحث شده است. نویسنده خطاب به زنان و دختران جوانی که به‌تازگی مادر شده‌اند و به دستوره‌های پزشکی توجه نمی‌کنند، می‌گوید: «نمی‌خواهد جهت بدبختی را بفهمد و مایل است همیشه به رسم دیرینه و احادیث کثوم‌ننه رفتار نماید» (خواججه‌نوری، ۱۳۰۲: ۱۵). در نشریه دانش نیز در مقالاتی با عنوان «حفظ‌الصحة اطفال»، «خانه‌داری»، «شوهرداری» سعی شده است تا به دختران و زنان جوان بیاموزد که چگونه از کودکان خود نگهداری کنند و چگونه راه و رسم خانه‌داری و شوهرداری را بیاموزند. البته در این‌گونه مطالب می‌توان شاهد نوعی نگاه مردسالارانه بود؛ هرچند این نگاه در آن زمان امری رایج بوده است.

در نشریه شکوفه علاوه بر مقالاتی درباره سبک زندگی، در چند شماره مقالاتی با عنوان «معارف زن‌های ایران یکی از سرچشمه‌های بدبختی ما» منتشر شده و نویسنده به موضوع خرافات و عقاید نادرست زنان شهری و روستایی و ایلاتی پرداخته است و آن را عامل اصلی بدبختی مملکت ایران می‌پندارد. نویسنده عقیده دارد که اعتقادات زنان شامل دو بخش اعتقادات شبه‌دینی، مانند اعتقاد به مرشدها و سحر و طلسم و جادوست و دیگری اعتقادات فالی و خاصیتی، مانند عقیده به سعد و نحس و خوش‌قدمی و بدقدمی و... است (ر. ح. م.، ۱۳۳۱ق: ۳۳). نویسنده مقاله بر این گمان است که برای بهبود وضعیت ایران و پیشرفت و ترقی لازم است تا زن‌ها شیوه زندگی و نگرش خود را تغییر دهند و به‌جای پرداختن به این مسائل به اصل دین توجه کنند.

زن‌ها با تسلط طبیعی مردهای خود را نیز مغلوب و بازار خواب‌نماها و دغانویس‌ها را چنان رونق داده‌اند که اعجاز حضرت موسی و عیسی و سایر مثل‌ها که در قرآن مجید ذکر شده در مقابل تقلبات این گوش‌یرها از اهمیت اعتبار افتاده (همان: ۳۸-۳۹).

در همین نشریه، در مقاله‌ای با عنوان «یک اندازه از فقر و فلاکت ایرانیان به‌واسطه خانم‌های ایرانی است»، آمده است که پیروی کورکورانه از سبک و مد غربی موجب شده تا مردم ایران در فقر و بدبختی باشند. زن‌های ایرانی اگر به‌جای توجه به مد خارجی از

صنعت پوشاک و لوازم داخلی استفاده کنند، موجب رونق تولید ملی خواهند شد. «خانم‌های ایرانی با نداشتن مد مخصوصی از برای اعمال فوق‌الذکر [عروسی، عزا، لباس شام و...] لهذا در مدت سال به تهیه چندین دست لباس هم قناعت ندارند. بعضی از خواتین مکرمه لباس‌هایی را که امسال به دویست تومان یا بیشتر تهیه کرده‌اند مجبورند به ده بیست تومان بفروشند که این فرم و این پارچه امسال درافتاده و باید فرم و پارچه جدید فراهم نمود» (همان، ۱۳۳۲ق: ۸۴).

در نشریه *عالم نسوان* در مقاله‌ای با عنوان «شرکت مردان در خانه‌داری لازم است» سعی شده است تا نظر جامعه را نسبت به امر خانه‌داری تغییر دهد و این موضوع را ترویج کند که مردان نیز باید در امور منزل به همسران خود کمک کنند؛ «زیرا اگر ایشان [مردان] درصدد همراهی و مساعدت با زنان برنیایند چگونه می‌توانند خانه خود را مرتب و لوازمات آن را مهیا کنند آیا ممکن است به یک نویسنده ماهر حکم کرد بدون قلم و کاغذ قطعه بنویسد» (محمودی، ۱۲۹۹الف: ۱۱).

در نشریه *عالم نسوان* در ذیل مقالات «حفظ الصحه» به موضوع «عروسی در سن صباوت» نیز پرداخته شده است. به عقیده نویسنده، ازدواج در سنین پایین موجب بروز انواع امراض در اطفال و در عین حال موجب بروز مسائل و مشکلات هزینه‌بر برای مملکت است. به نظر نویسنده به جای آنکه دختران در سن دوازده‌سالگی ازدواج کنند، باید تحصیل نمایند تا در نهایت بتوانند مادران خوبی برای فرزندان‌شان باشند.

در نشریه *نامه بانوان* مقالاتی با عنوان «بانوان نامدار» برای معرفی زنان نامی درج شده است. هدف از نشر این مطالب، آشنایی زنان و دختران با زنان بزرگی است که گامی مهم در راستای پیشرفت و ترقی کشورشان برداشته‌اند. نخستین شماره این نشریه به معرفی «بانو صدیقه دولت‌آبادی» اختصاص دارد (نامه بانوان، ۱۲۹۹: ۳-۴).

عمده تأکید نشریات زنانه در موضوع سبک زندگی، در راستای پیشرفت و ترقی مملکت است؛ زیرا معتقد بودند نحوه زندگی زنان بر زندگی دیگر اعضای خانواده تأثیرگذار است. زنان به‌عنوان همسر و مادر با اصلاح سبک زندگی خود، موجب بهبود شرایط اقتصادی و بهبود امنیت روانی و سلامت جسمانی دیگر اعضای خانواده می‌شوند؛

از این رو نویسندگان این نشریات سعی داشتند تا با تغییر سبک زندگی و درج مقالاتی در حوزه آموزش مسائل مرتبط با شیوه زندگی، الگویی تازه برای زنان ایرانی به وجود آورند و موجبات پیشرفت جامعه را فراهم کنند.

۴. بهره‌گیری از شیوه‌های ادبی در آموزش مضامین تربیتی

بهره‌گیری از شیوه‌های بیان ادبی و همچنین آموزه‌های ادب فارسی، یکی از روش‌هایی است که برای آموزش مضامین تربیتی در نشریات زنانه اواخر عصر قاجار به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است. نویسندگان این مجلات برای طرح دیدگاه‌های خود در زمینه تغییر سبک زندگی و یا تبیین جایگاه اجتماعی زنان از گونه‌های مختلف ادبی استفاده کرده‌اند. در تمامی نشریات مورد بحث، بخشی از مجله به مطالب ادبی همسو با اهداف نشریه اختصاص دارد.

در نشریه دانش، در حکایتی با عنوان «ملکه و پنجره سحری» داستان ملکه‌ای جوان و مغرور آمده است که برای ازدواج خود شرط سختی را گذاشته بود و در نهایت پسری با حيله و تدبیر بر ملکه پیروز می‌شود و با او ازدواج می‌کند (بی‌نام، ۱۳۳۸ق: ۲۹۰-۲۸۹). هدف از این داستان در نگاه نخست، نوعی سرگرمی و جلب نظر مخاطب است و علاوه بر آن نویسنده در پی بیان جایگاه برتر مردان نسبت به زنان بوده است. البته این موضوع با توجه به دیدگاه‌های حاکم در جامعه آن روز ایران قابل درک است.

در همین نشریه، نمایش‌نامه‌ای با عنوان «وداع» نوشته ع. صفوت نیز انتشار یافته است که درباره زنی جوان است که همسرش او را ترک کرده و زن با یک پسر جوان در ارتباط است. در طول این نمایش‌نامه، یکی از دوستان زن سعی دارد تا او را راضی کند تا معشوقه‌اش را ترک کند. نویسنده در این نمایش‌نامه در پی بیان مشکلاتی است که با طلاق برای زنان پدید می‌آید. «قدری بیشتر تأمل کن تو اکنون زنی هستی که زوج مشروعت ترک گفته هیچ چیز نیستی. هیچ...» (صفوت، ۱۳۲۸ق: ۲۹۵). نویسنده در این داستان نگاهی انتقادی به دیدگاه و برخوردهای جامعه در مورد زنان مطلقه دارد و آن را رفتاری ناپسند می‌شمارد.

داستانی دیگر در این نشریه با عنوان «سرگذشت شوهر کردن خانم جوان» درباره زندگی زنی جوان است که با مردی زن‌مرده که هفت فرزند دارد، ازدواج می‌کند و به سبب بی‌سوادی نمی‌داند با مشکلات پدیدآمده چگونه روبه‌رو شود. زن جوان هنگام بیماری بچه‌ها برای بهبود ایشان از همان الگو و روش قدیمی که از مادر خود و دیگر زنان یاد گرفته است استفاده می‌کند، اما نتیجه‌ای کسب نمی‌کند و این موضوع را نتیجه بی‌سوادی و تربیت نادرست خود می‌داند (بی‌نام، ۱۳۲۸ق: ۳۲۱-۳۲۰ و ۳۳۸-۳۳۶).

دیدم دندان‌های آن‌ها معیوب گردید خود دوی مسکنی بلد بودم که می‌گذاشتم در سوراخ‌های دندان کرم‌خورده و آن جوش شیرین بود... از آن درست می‌کردم و دهان آن‌ها را می‌شستم و درد آن‌ها آرام می‌گرفت... تا آنکه روزبه‌روز درد دندان بچه‌ها زیادتر می‌شد و من هم از این جوش زیادتر به دندان و دهان بچه‌ها می‌زدم آخر یک روز روزنامه خواندم که جوش شیرین ضرر به پوست معده می‌رساند... فوراً بچه‌ها را به محکمۀ دندان‌ساز بردم... گفت این بچه‌ها نه فقط از علت دندان‌درد می‌کشند، بلکه مزاجشان هم پاک نیست... این بیانات را که شنیدم بسیار خجل شدم که چرا باید من این‌طور نادان باشم که این بچه‌های بیچاره دچار این همه صدمه شوند (همان: ۳۳۸-۳۳۶).

در نشریه شکوفه، کمتر از آموزه‌های ادبی برای آگاهی‌بخشی استفاده شده است. اشعار و مطالب درج‌شده در نشریه شکوفه را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد: نخست اشعاری است در ستایش از انتشار چنین نشریاتی و دیگر اشعاری که درباره راه‌اندازی مدرسه به همت مزین السلطنه سروده شده است.

شکر ایزد که چنین مدرسه‌ای برپا شد	زینت علم و ادب در دو جهان برپا شد
صاحب مدرسه کو نام مزین باشد	از وجودش همه علم و ادب برپا شد
ما همه شکر از این مدرسه او داریم	چون که این مدرسه از همت او برپا شد...

(عفت‌الزمان، ۱۳۳۱ق: ۴۸)

باشد بشارتی به همه دوستان فضل	خاصه به دختران و زنان جمله مژده باد
در باغ علم و فضل که یک چند بد خزان	و اشجار وی شده همه پر آفت و فساد

صد شکر زان میانه برآمد یکی نهال بنهاد رو برشد و هم با ثمر فتاد
(آغاخانم، ۱۳۳۲ق: ۷۸)

در نشریه جهان زنان از شعر و شیوه‌های ادبی برای بیان مشکلات و عقب‌ماندگی‌های زنان ایرانی استفاده شده است. شمس کسمایی با انتشار شعری در این نشریه، سعی کرده فقر و بدبختی اجتماعی زنان ایرانی را نشان دهند. وی این مسئله را برخاسته از عدم تربیت زنان می‌داند.

نسوان مسلمان شده چون نقش به دیوار از وضع زمان بی‌خبر و بی‌حس و بیکار
دوشیزه ایران عقب از قافله علم در پیش رخت بادیه بی‌آب و پر از خار
در قرن تو هم جنس تو، چون مرغ به پرواز تو هم چو بهایم سر خود داده به افسار
چون مادر ما نیست غیور و متعصب این است که فرزندان فروشی نبود عار
تا کی هوس زینت و مشغول (توالت)^۳ تا چند پی مشتری و فکر خریدار
این جامه خفت بکن از فخر به سر نه آن تاج کیانی که تو را هست سزاوار
هشدار اگر امت خاصی به حقیقت اسلام پرستی نبود پستی افکار
(کسمایی، ۱۳۴۰ق: ۹۲)

در نشریه زبان زنان، داستانی با عنوان «معصومه» نوشته صدیقه دولت‌آبادی چاپ شده که شخصیت اصلی آن زنی ساده‌دل به نام معصومه است. معصومه نمادی از تمام زنان بی‌سواد ایران است که به هیچ روی پذیرای تغییرات اجتماعی نیستند. معصومه عقیده دارد که زنان نباید درس بخوانند و باید به همسرانشان وابسته باشند. راوی داستان زنی جوان، مستقل و ترقی‌خواه است که مدیریت نشریه زنان را بر عهده دارد. وی نماد زنانی است که تمام تلاششان را صرف پیشرفت و ترقی مملکت کرده‌اند و برای نیل به این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نیستند (دولت‌آبادی، ۱۳۰۱: ۳۲-۳۰).

دیروز نشسته بودیم که سروسینه‌زنان آمد و پس از سلام بدون تعارف گفت:
این کتابچه‌های جلد سبز گل و بوته‌دار را شما چاپ کردید و دست مردم
دادید؟ گفتم: بله اما گل و بوته آن به دستور من نبوده چاپخانه به خیال آنکه
این مجله زنانه است این طور نقش‌ونگارهای بی‌ربط روی آن گذاشته است!

... خانم دیگر این چه بازی است زن‌ها زبان می‌خواهند چه کنند؟ زن‌ها را چه به این کارها مگر از هزار سال پیش از آن که زن‌ها توی خانه نشسته بودند چطور بود؟ یک لقمه نان مردها می‌دادند می‌خوردند نمی‌دادند نمی‌خوردند، این طرف سرشان را اگر مردها می‌شکستند آن طرف را پیش می‌آوردند... (همان: ۳۰-۳۲).

در این نشریه، داستانی دیگر با عنوان «محفل دوشیزگان» منتشر شده است که شخصیت‌های آن چند دختر نوجوان هستند. یکی از دختران به نام فرّخ به محض آنکه به خواندن کتاب و کسب دانش روی می‌آورد، از دنیای کودکی و بی‌خبری خود جدا می‌شود. فرّخ در این داستان نماد دخترانی است که لزوم تحصیل را برای شناخت بهتر مسائل پیرامون خود درک کرده است. دو دختر دیگر نیز نماد دخترانی هستند که هیچ‌گونه آگاهی از جهان پیرامون خود ندارند و از نظر فکری و فرهنگی همچون پیشینیان خود هستند. نکته قابل توجه در این داستان، آن است که فرّخ برای دختران از زندگی ژاندارک سخن می‌گوید و ژاندارک را به‌عنوان الگویی مناسب برای ایشان و دیگر دختران ایرانی معرفی می‌کند.

خلاصه تاریخ را که در نظر دارم برای شما می‌گویم: ژاندارک فرانسوی است ... وقتی که شهر اورلدان در محاصره انگلیس‌ها بود، ژاندارک خود را پس از موانع کثیره به دلفین شارل هفتم رسانده همین که شارل مذکور را قانع کرد که می‌تواند وطن را نجات دهد. آن وقت در شینون کمی تحصیل مشق نظامی نمود سپس در مارس ۱۴۲۹ اورلدان را از دست انگلیس‌ها نجات داد... (دولت‌آبادی، ۱۳۰۱: ۶-۷).

در همین نشریه *زبان زنان*، در داستانی دیگر با عنوان «ایرانی نجیب - ایرانی شریر» به موضوع زندگی زنی تحصیل کرده و دخترانش پرداخته شده است. دختران در یک مهمانی، همکلاسی خود را می‌بینند که در سن سیزده‌سالگی به اجبار خانواده ازدواج کرده و از تحصیل بازمانده است. این دو دختر داستان زندگی دوستشان را برای مادر خود تعریف می‌کنند و این موضوع که مادر و مادرشوهر همکلاسی‌شان هر دو زنانی

بی سواد هستند و هنگام بیماری نوزاد، اجازه نمی دهند فرزندش را دکتر ببرد و به همین سبب کودک نابینا می شود. مادر دختران عقیده دارد که دختران باید به موقع ازدواج کنند و سیزده سالگی سن مناسبی برای ازدواج نیست (همان: ۳۷-۴۶).

مادرانی که دختران خود را در غیرموقع به خانه شوهر می فرستند حق مادری به آن دختران ندارند. چون دیدم دختران عزیزم از دیدن حالت اسفناک رفیق مدرسه شان عصبانی شده اند خواستم رشته کلام را قطع کرده بلکه از فکر او منصرف بشوند، به آن ها گفتم عزیزانم، از این اتفاقات زیاد افتاده و خواهد افتاد چه چاره می توان کرد، مگر اینکه به وسیله نطق ها، روزنامه ها و مدرسه ها مردم آگاه گردند و رفته رفته این قبیل عادات زشت ترک شود (دولت آبادی، ۱۳۰۱: ۴۵).

در این نشریه، علاوه بر این داستان ها به شرح حال زنان نامی جهان نیز پرداخته شده است و شرح حال مادام کوری را به عنوان نمونه ای از زنان تحصیل کرده چاپ کرده اند (بی نام، ۱۳۰۱: ۱۹-۲۲). همچنین به درج اشعاری منشور در رثای ژاندارک پرداخته اند (دلایین، ۱۳۰۱: ۴۸-۵۳).

در نشریه جمعیت نسوان وطن خواه نیز از شعر و داستان برای بیان مضامین تعلیمی استفاده شده است. در شماره نخست این نشریه، صادق بروجردی با درج شعری در پی آن است تا الگویی مناسب برای زنان جامعه خود ارائه کند و همچنین خطاب به مردان اعلام می دارد که نباید حقوق زنان را نادیده بگیرند.

زنی که باشرف و باکمال و باهنر است	ز مرد باهنر و باشرف شریف تر است
تفاوتی نبود بین مرد و زن به جهان	که افتخار به علم و شرافت و هنر است
اگر که علم و عمل نیست بهر زن یا مرد	بسوزد آنکه وجودش درخت بی ثمر است
نه مرد باشد و نی زن بود چو حیوانی	کسی که از شرف علم و فضل بی خیر است
هر آن کسی که ز سرمایه کمال نداشت	چه تاجری است که بی سود و نفع و با ضرر است
برای تربیت زن مهم باشد	که هرچه گفت به اولاد خویش با اثر است
چرا حقوق زنان را دریغ می دارید	که زن به عالم خلقت چو مرد معتبر است
برای مرد بود صادق سعادت و علم	چو همسر عالمه باشد سعادت دیگر است

(بروجردی، ۱۳۰۲: ۱۴)

در همین نشریه، قطعه‌ای ادبی از زبان یک زن نوشته شده است که بدبختی‌ها و رنج‌های خود را بیان می‌کند. اصلی‌ترین هدف این نوشته بازگو کردن مشکلاتی است که از سوی مردان برای زنان به وجود می‌آید. نویسنده با بهره‌گیری از زبانی ادبی و گفت‌وگویی خیالی میان یک زن و یک بلبل، مشکلات جامعه را بیان می‌کند.

آری من بدبختم زیرا که زن ایرانی هستم و در ایران زندگی می‌کنم. هزار افسوس که با وجود هوش و ذکاوت طبیعی که خداوند یگانه در وجود ما زنان ایرانی ایجاد فرموده ما را نه از تربیت بهره و نه از علم و هنر قسمتی است... همیشه مردان ما را حقیر می‌شمرند... ما را شریک زندگی خود نمی‌دانند و این است علت بزرگ بدبختی خودشان و ما - آیا ای گل مطبوع این ترانهٔ جانسوز را می‌شنوی؟ این آهنگ از یک زنی است که اخلاق زشت مردها او را به نام فاحشه در جامعه معرفی می‌کند... پس چرا این مردان را فاحش نمی‌نامند - به چه جهت آن‌ها دارای احترامات و شئونات خود هستند و این‌ها چنین حقیر و ذلیل (بی‌نام، ۱۳۰۴: ۹).

در همین نشریه تحت عنوان «نسائیات» اشعاری در وصف زنان و لزوم اهمیت و توجه به آنان سروده شده است. نکتهٔ جالب توجه آن است که این اشعار را شاعری به نام صادق بروجردی سروده است. وی عقیده دارد که مقام و جایگاه زنان در جامعه باید حفظ شود و برای آنان احترام قائل بود؛ زیرا همه از یک خاک زاده شده‌اند و در خلقت یکسان هستند. شاعر علاوه بر این موارد سعی دارد تا راه‌هایی را که اتحاد در برابر مردان است، به زنان نشان دهد.

مکن دریغ که آزادی‌اش خداداد است	به خلقت بشری زن چو مرد آزاد است
برای آدم و حوا عزیز اولاد است...	تفاوتی نبود بر بشر چه مرد و چه زن
اگر که مرد بود هفت زن چو هفتاد است	زنی که عالمه باشد به پیش مرد جهول
به سرزمین خرابی که حال آباد است	نبود اندر زن و مرد شرکت اندر کار
تعجب است که زن صید مرد صیاد است	به کشوری که بود نام‌نمایش ایران
ولیک مرد چون فرعون و همچو شداد است	زن است آسیه مانند و رستم شب و روز

نموده‌اند اسیر و ذلیل و بیدانش
 زن که اشرف مخلوق و آدمیزاد است...
 علاج درد زنان اتحاد و یکرنگی است
 به دست جمع کثیری ز جمله افراد است
 (بروجردی، ۱۳۰۴: ۲۵)

زن مظهر عشق است و برای بشر ای دوست
 زن مظهر عشق است و برای بشر ای دوست
 آغوش محبت بکند باز به فرزند
 استاد مربی است به نوع بشر ای دوست
 با عشق هر آن کس که کند روی به میدان
 در جنگ نباشد ز برایش خطر ای دوست
 اخلاق نکو یا که صفات بد مادر
 بی شبهه به اولاد نماید اثر ای دوست
 زن عاطفه مهر و محبت به جهان است
 با چشم محبت چو نماید نظر ای دوست...
 (همان: ۲۶)

در نشریه جمعیت نسوان وطن خواه، نمایش نامه‌ای با عنوان «عشق دروغی» نوشته یحیی میرزا اسکندری منتشر شده که هدف آن «نشان دادن ظلمی است که از شهوت پرستی مردان به زنان مملکت که مربی اولاد وطن و اس‌اساس تمدن‌اند، وارد می‌آید و مقصودی جز این ندارد» (۱۳۰۲: ۱۵). این نمایش نامه درباره زندگی دختری جوان به نام رخشان است که با مردی هوس‌باز آشنا می‌شود. نویسنده در خلال این نمایش نامه، گریزی به وضعیت زنان عامی ایران می‌زند و از زبان سروناز، مادر رخشان، بخشی از دیدگاه‌های زنان عوام جامعه را بازگو می‌کند. مادر رخشان عقیده دارد که گرفتگی ماه و مواردی این گونه، ناشی از گناهان مردم است و به هیچ روی پذیرای دلیل علمی این موضوع نیست.

سروناز: می‌فهمی چرا ماه می‌گیرد این گناه‌های ماست که جمع می‌شود. بلی این معاصی ماست که این قرص ماه را در آسمان تاریک می‌کند... این علامت غضب خداست.

رخشان: نه مادرم این مطالب علت دیگر دارد، غیر از این‌هاست که شما می‌فرمایید.

سروناز: بلی همین حرف هم یک گناه است. ببین ستاره دنباله‌دار امسال بیرون آمده... لابد تو و امثال تو خواهند خندید... همین خنده‌های شماهاست

که خدا را به غضب می‌آورد و این آثار غضب خودش را می‌فرستد. ماها از گناهانمان پشیمان شویم، توبه کنیم، اما بدبختی در این است که مردم این روزها به این علامات واضح اعتنایی نمی‌کنند (اسکندری، ۱۳۰۴: ۳۱).

در همین نشریه، داستان زندگی زنی جوان منتشر شده است که با نوزاد خود گفت‌وگو می‌کند. زن از اینکه فرزندش پسر است، ابراز شادمانی می‌کند؛ زیرا معتقد است که دختران این مملکت در مشکلات و فقر فرهنگی گرفتارند.

هوشنگ‌جان عزیزم چقدر خوشحالم که تو پسر هستی. این چشم‌های سیاه و این عارض چون ماه تو به من می‌گوید که در آینده مردی چنان‌که باید و شاید خواهی شد - زهی نیک‌بختی که تو دختر نیستی - وای اگر تو دختر بودی من چه می‌کردم! دختر چقدر حقیر است و چه بدبختی غیرتحملی است! علاوه بر آنکه از نظر شوهر و خانواده او می‌افتادم، همیشه باید خاطرم پژمرده و به یاد آینده‌ات افسرده باشم، آری اگر دختر می‌شدی جز اینکه یک نفر هم به عده تیره‌بختان افزوده شده بود، چیز دیگر نمی‌بود - در اول وهله زندگی همیشه با کلمات تحقیرآمیز پرورش یافته و در بزرگی با یک تربیت و تحصیلات ناقص تربیت می‌شدی، اگر آن تربیت و تحصیل را هم برایت لازم می‌دیدند و الا هیچ ندانسته یا دانسته طبعاً برای قبول بندگی و تحقیر و مذلت حاضر شده و فقط اگر شوهر یعنی شریک زندگی‌ات خوب بود تو را برای خرحمالی و تهیه عیش و راحت خود لازم می‌دانست و [...] بس خوشحالم که تو پسر هستی و هرچه بخواهی بدون چون و چرا خواهی کرد؛ زیرا که مردی، زن نیستی (ارغون، ۱۳۰۵: ۳۱-۳۰)!

در ادامه، صورتی خیالی بر زن ظاهر می‌شود و سعی دارد تا زن را قانع کند که وضعیت زنان ایران به سبب تربیت نادرست ایشان است که خود را زیر دست مرد می‌دانند. صورت خیالی در ادامه گفت‌وگو تصویری از دورنمای ایران را نشان می‌دهد که دختران در حال تحصیل و درس خواندن هستند و در اجتماع حضوری فعال دارند. نویسنده با ترسیم این شخصیت خیالی سعی کرده است تا نشان دهد در صورت تلاش زنان و پرداختن به

تحصیل، وضعیت ایشان و در نهایت وضعیت جامعه دگرگون می‌شود. صورت خیالی می‌گوید: «در سایه زحمت زن مردان بزرگ و توانا تربیت می‌شوند. اگر زن نمی‌بود، هیچ نمی‌بود، زن مایه سعادت و راحت و منبع عاطفه است. زن آن کسی است که با زحمت فوق‌العاده همیشه مواجه بوده و هیچ وقت خسته نمی‌شود... کمی دورتر نظر بفرمایید آن منظره دلکش را مشاهده کنید؛ دختران در روی نیمکت‌ها نشسته و معلم مشغول تدریس است... کمی دورتر نظر کنید در مغازه‌ها کارخانه‌ها پشت میزها در محکمه‌ها و مریض‌خانه‌ها زن‌ها مشغول بافتن و دوختن، کار کردن، نوشتن، نطق کردن، جمع نمودن زخمی و پرستاری مریض می‌باشند» (همان: ۳۳).

در نشریه *عالم‌نسوان* با توجه به آنکه شماره‌های قابل توجهی از آن منتشر شده است و در هر شماره، بخشی به ادبیات اختصاص یافته، با مباحث ادبی اجتماعی زیادی مواجهیم؛ از این رو برای جلوگیری از طولانی شدن کلام، بخش‌هایی برای نمونه آورده شده است. مطالب این نشریه را می‌توان به دو بخش شعر و داستان تقسیم کرد. در نخستین شماره این نشریه شعری با عنوان «زنان باهنر الحق سزد که فخر کنند» منتشر شده که هدفش نشان دادن جایگاه فراموش‌شده زنان ایرانی است. شاعر در پی بیان بزرگی و عظمت زنان است.

چو آفتاب پدیدار شد اگر یکچند	نهفته بود هنر در نزد زنان دانشمند
هنر خلیفه فرزند باشد انسان را	همی بیاید کز زن بزاید این فرزند...
زنان به مثابه روحند و نوع مردان جسم	ز جان روشن باشد همیشه تن خورسند
ای آن‌که طعنه زنی بر کمال و فضل زنان	بمال دیده که جهلت به سر خمار افکند...
زنان فراخور مدحند و لایق تمجید	که امهات کمالند و مستحق پسند
به ویژه سوی پرستار با خرد که شوند	به پیش شوهر خود همچو شیر نر به کمند

(بی‌نام، ۱۲۹۹: ۳۰)

در شماره‌ای دیگر از نشریه *عالم‌نسوان*، شاعری با عنوان پ. ن. ذیل مقاله‌ای با عنوان «معارف زن‌های ایران» برای تأکید بر موضوع و اهمیت تحصیل دختران در راه پیشرفت کشور، مسمط «ای مرغک» را خطاب به دختران سروده است.

ای مرغک خرد ز آشیانه
تا کی حرکات کودکانه
رام تو نمی‌شود زمانه
مندیش که دام هست یانه
شو روز به فکر آب و دانه
از لانه برون محسب زنهار
این لانه ایمنی که داری
کردند هزار استواری
دادند به اوستادکاری
تا عمر تو با خوشی گذاری
یک روز تو هم پدید آری

گه دایه شوی گهی پرستار... (پ.ن، ۱۲۹۹: ۲۵)

در شعری دیگر با عنوان «بیدار شوید»، سروده فرزان میردامادی، شاعر خطاب به دختران ایران زمین می‌گوید که باید از خواب غفلت بیدار شوند و همچون زنان دیگر سرزمین‌ها در مسیر ترقی و پیشرفت حرکت کنند.

بس است خواب گران خواهران من تا چند
که زنده را ندهد تن چنین به طوق و کمند
ز جای برخیزید ای خواهران شتاب کنیم
بسی بوم‌ویرِ جهل را خراب کنیم
نموده شور قیامت در این جهان برپا
دمی شویم بر احوال خویشان بینا...
(میردامادی، ۱۲۹۹: ۳۵)

در نشریه *عالم نسوان*، داستانی با عنوان «مناظره» منتشر شده که موضوع آن لزوم ترقی زنان است. در این داستان زنی به نام خوشدل عقیده دارد که زن‌ها نیاز به ترقی دارند و زن دیگری به نام شلخته‌خانم عقیده دارد که زن‌های ایرانی نیازی به ترقی ندارند.

در این مناظره، خوشدل عقیده دارد که «امروز به علم و ترقی محتاج هستیم زیرا که حالت کنونی ما نه شباهتی به زنان گذشته دارد و نه به زنان امروزه دنیا» (چنگیزی، ۱۳۰۰: ۳۷) و از مادر امیرمسعود غزنوی، ملک خاتون که والی ری شد و مادر عبدالله زیبر سخن می‌گوید و آن‌ها را به‌عنوان نمونه‌ای از زنان بزرگ گذشته معرفی می‌کند.

در ادامه این داستان، نویسنده به وضعیت زنان اروپایی می‌پردازد که در مشاغل گوناگون اجتماعی حضور دارند. خوشدل عقیده دارد زن‌های ایرانی نیز باید همچون ایشان در اجتماع حضور داشته باشند و در پیشرفت جامعه خود سهیم باشند.

شلخته با تمسخر حرف‌های خوشدل، معتقد است که اساساً زنان نباید در امور اجتماعی حضور داشته باشند. «مگر مردها دور از جان مرده‌اند که زن‌ها را وکیل یا وزیر بکنن آخر عقل چیز شریفی است مگر ما دیوانه هستیم» (همان: ۳۹). شلخته عقیده دارد که زن‌های ما نیز در کاسبی حضور دارند و برای اثبات سخنش نمونه‌ای را مثال می‌آورد:

زن استاد حمام زنانه مدیر حمام زنانه نیست؟ و سکینه سلطان جامه‌دار معاون او نیست؟ و دلاک‌های زنانه کاسبی نمی‌کنند... خانم کربلایی دلاک که هرروزه در خانه‌ها می‌رود و دستمال، جوراب، شانه، سنگ پا، کیسه حمام، سفیداب، صابون فرنگی، و توری چارقدی و غیره غیره می‌برد و می‌فروشد آیا کاسب و تاجر نیست؟ ... گذشته از این‌ها بعضی‌هاشان علم هم دارند و فال می‌گیرند و دعای سفیدبختی هم می‌دهند» (همان: ۳۹-۴۰).

در داستانی دیگر با عنوان «سرگذشت نوشی» به موضوع عدم رضایت دختران از ازدواج پرداخته شده است. شخصیت اصلی داستان عقیده دارد که هنگام ازدواج، زنان و دختران چون حیوانات به خاطر پول خرید و فروش می‌شوند و اساساً به خواست ایشان توجهی نمی‌شود. «روزی هزاران هزار دختر مظلوم که اسیر سرپنجه پدران بی‌محبت پول دوست هستند و نمی‌توانند دم از چون و چرا بزنند، مثل پست‌ترین حیوانات خرید و فروش می‌نمایند» (بی‌نام، ۱۳۰۰: ۳۰).

در نشریه نامه بانوان نیز از ادبیات به‌ویژه شعر، برای بیان مضامین تعلیمی استفاده شده است. نکته جالب توجه آن است که شاعر این اشعار منحصراً زنان نیستند، بلکه

مردانی که حامی حق تحصیل زنان هستند نیز با سرودن اشعار مختلف، با این موضوع همراهی کرده‌اند.

ای هموطنان گرچه ندارید مجال در تربیت زنان کنید استعجال
زیرا که توان نمود اثبات رجال در سایه تربیت زربّات حجال
(شیخ‌الرئیس، ۱۲۹۹: ۴)

علاوه بر اشعاری از این دست، در انتهای هر شماره از این نشریه، بخشی از نمایش‌نامه منظوم «کفن سیاه یا شاهزاده خانم ایرانی در خرابه‌های مداین» سروده میرزاده عشقی منتشر شده است. عشقی در این منظومه به بیان مشکلات زنان ایرانی در طول تاریخ پرداخته است (عشقی، ۱۲۹۹: ۸۷).

نتیجه‌گیری

توجه به زنان و پرداختن به موضوعات مرتبط با ایشان از مسائلی است که پس از انقلاب مشروطه رونق بسیاری گرفت و همین امر موجب پیدایی و رشد نشریات مخصوص در حوزه زنان شد. این نشریات تخصصی، نقش ویژه‌ای در آموزش زنان و هدایت ایشان به سمت وسوی زندگی در جامعه رو به تجدد بر عهده داشته‌اند و با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون به‌ویژه استفاده از گونه‌های ادبی همچون شعر و داستان و نمایش‌نامه در پی تربیت نسل جدید زنان ایرانی بودند. آنچه در وهله اول برای نویسندگان مطبوعات زنانه اهمیت داشته است، تشویق زنان و دختران به علم‌آموزی و کسب دانش بوده است. تغییر سبک زندگی به‌ویژه در حوزه بهداشت عمومی و نقد روابط اجتماعی از دیگر موضوعاتی که در این نشریات به آن پرداخته‌اند. موضوعاتی همچون حضور زنان در ساختار سیاسی و اداری جامعه و بحث در خصوص حق ازدواج و انتقاد از ازدواج دختران در خردسالی و نوجوانی نیز در این نشریات دیده می‌شود. شایسته یادآوری است در این دسته از نشریات به هیچ روی دیدگاه‌های برتری‌جویانه دیده نمی‌شود و شاید بتوان گفت همچنان نگاه مردسالارانه در این نوشته‌ها و سروده‌ها دیده می‌شود. نویسندگان نشریات زنانه معتقدند در صورتی که زنان جامعه ایرانی از علم و دانش

بهره‌مند شوند، می‌توانند مردان خوبی تربیت کنند و همچنین خانواده خوبی داشته باشند و در امر همسررداری موفق باشند. مضامین تعلیمی به‌کاررفته در این نشریات اگرچه از منظر خوانندگه امروزی ممکن است بسیار پیش‌پاافتاده و کم‌ارزش محسوب شود، با توجه به مسائل موجود در جامعه ایران آن روزگار، این مطالب به‌عنوان گام‌هایی ارزشمند در راستای احیای حقوق زنان در جامعه ایران به شمار می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

۱. تا حد امکان سعی شده است رسم‌الخط به‌کاررفته در نشریات و نحوه استفاده از علائم نگارشی حفظ شود.
۲. در نشریه این‌گونه آمده و احتمالاً منظور نویسنده، واژه «منحل» بوده است.
۳. واژه فرانسوی به معنای آرایش کردن.

منابع

۱. ارغون، فخرعظمی (۱۳۰۵)، «ادبیات»، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال سوم، شماره ۱: ۳۰-۳۳.
۲. اسکندری، ملوک (۱۳۰۲)، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال اول، شماره ۱، دیباچه.
۳. اسکندری، یحیی میرزا (۱۳۰۲)، «تئاتر عشق دروغی»، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال اول، شماره ۲: ۱۴.
۴. _____ (۱۳۰۴)، «تئاتر عشق دروغی»، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال دوم، شماره ۹: ۳۱.
۵. آزاد، شهناز (۱۲۹۹)، نامه بانوان، سال اول، شماره ۱، دیباچه.
۶. آغاخانم (۱۳۳۲ ق)، «نثر و نظم آغا خانم مدیره مدرسه مکتب البنات»، شکوفه، سال دوم، شماره ۲۰: ۷۸.
۷. بروجردی، صادق (۱۳۰۲)، «ابیات راجع به نسوان»، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال اول، شماره ۱: ۱۴.

۸. _____ (۱۳۰۴)، «نسائیات»، جمعیت نسوان وطن خواه، سال دوم، شماره ۹: ۲۶-۲۷.
۹. بی نام (۱۳۳۸ق)، «ملکه و پنجره‌های سحری»، دانش، سال اول، شماره ۱: ۲۸۹-۲۹۰.
۱۰. بی نام (۱۲۹۹)، «بانوان نامدار»، نامه بانوان، سال اول، شماره ۱: ۳-۴.
۱۱. بی نام (۱۲۹۹)، «زنان باهنر الحق سزد که فخر کنند»، عالم نسوان، سال اول، شماره ۱: ۳۰.
۱۲. بی نام (۱۲۹۹)، «مرا م»، عالم نسوان، سال اول، شماره ۱: ۱.
۱۳. بی نام (۱۲۹۹)، نامه بانوان، سال اول، شماره ۱.
۱۴. بی نام (۱۳۰۱)، «ایرانی نجیب - ایرانی شیرین»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵: ۳۷-۴۶.
۱۵. بی نام (۱۳۰۱)، «مادام کوری»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۲: ۱۹-۲۲.
۱۶. بی نام (۱۳۰۱)، «محفل دوشیزگان»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۳: ۶-۸.
۱۷. بی نام (۱۳۰۱)، «مدارس دولتی - تحصیل اجباری»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۳: ۱۶-۱۷.
۱۸. بی نام (۱۳۰۲الف)، «الجنة تحت اقدام الامهات»، جمعیت نسوان وطن خواه، سال اول، شماره ۱: ۲۰.
۱۹. بی نام (۱۳۰۲ب)، «سرگذشت نوشی»، عالم نسوان، سال چهارم، شماره ۱: ۳۰-۳۹.
۲۰. بی نام (۱۳۰۴)، «شبی از زندگی یک زن»، جمعیت نسوان وطن خواه، سال دوم، شماره ۹: ۹.
۲۱. بی نام (۱۳۲۸ق)، «سرگذشت شوهر کردن خانم جوان»، دانش، سال اول و دوم، شماره ۱۴: ۲۳۶-۲۳۸، شماره ۵: ۳۲۰-۳۲۱.
۲۲. بی نام (۱۳۳۰ق. الف)، «آگاهی یا حقیقت مطلب»، شکوفه، سال اول، شماره ۶: ۲۲.
۲۳. بی نام (۱۳۳۰ق. ب)، «لزوم تربیت زنان»، شکوفه، سال اول، شماره ۲: ۶.
۲۴. بی نام (۱۳۳۱ق)، «فادخلوا البيوت من ابوبها»، شکوفه، سال اول، شماره ۱۲: ۵۰.
۲۵. بی نام (۱۳۳۲ق)، «خدمات زنها به عالم اجتماعی کمتر از مردها نیست بلکه علاوه است»، شکوفه، سال ۲، شماره ۲۳: ۸۷.

۲۶. بی‌نام (۱۳۳۲ق)، «یک اندازه از فقر و فلاکت ایرانیان بواسطه خانم‌ها ایرانی است»، شکوفه، سال دوم، شماره ۲۱: ۸۴.
۲۷. بی‌نام (۱۳۴۰ق)، «از حالا»، جهان زنان، سال اول، شماره ۵: ۴-۵.
۲۸. پ. ن. (۱۲۹۹)، «ای مرغک»، عالم نسوان، سال اول، شماره ۲: ۲۵.
۲۹. پارسا، فخرآفاق (۱۲۹۹)، جهان زنان، سال اول، شماره ۱، دیباچه.
۳۰. چنگیزی، دلشاد (۱۳۰۰)، «مناظره»، عالم نسوان، سال دوم، شماره ۱: ۳۵-۴۰.
۳۱. خواجه نوری، عفت‌الملوک (۱۳۰۲)، «لزوم حفظه الصحه»، جمعیت نسوان وطن‌خواه، سال اول، شماره ۱: ۱۵.
۳۲. دلاویین، کادمیر (۱۳۰۱)، «مرگ ژاندارک»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵: ۴۸-۵۳.
۳۳. دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۱)، «ایرانی نجیب - ایرانی شریر»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵: ۳۷-۴۶.
۳۴. — (۱۳۰۱)، «دیروز و امروز»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۶: ۲.
۳۵. — (۱۳۰۱)، «محفل دوشیزگان»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۳: ۸-۶.
۳۶. — (۱۳۰۱)، «معصومه»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۲: ۳۲-۳۰، و همچنین شماره‌های ۴ و ۵، ۶.
۳۷. — (۱۳۰۱)، زبان زنان. دیباچه.
۳۸. ر. ح. م. (۱۳۳۱ق)، «معارف زن‌های ایران سرچشمه بدبختی ما»، شکوفه، سال اول، شماره ۹: ۳۳-۳۴. شماره ۱۰: ۳۸-۳۹.
۳۹. رفعت‌زاده، مریم (۱۳۴۰ق)، «لزوم تعلیم زنان»، جهان زنان، سال اول، شماره ۵: ۹۴.
۴۰. سنایی، فریده (۱۳۸۶)، «بازتاب جایگاه اجتماعی زن عصر قاجار در نشر آن دوره»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۸، شماره ۲: ۹۳-۷۱.
۴۱. شیخ‌الرئیس (۱۲۹۹)، «رباعی»، نامه بانوان، سال اول، شماره ۱: ۴.
۴۲. شیرازی، طلعت (۱۳۰۱)، «ناله دختر»، زبان زنان، سال چهارم، شماره ۴ و ۵: ۱۲.
۴۳. صفوت، ع (۱۳۲۸ق)، «وداع»، دانش، سال اول، شماره ۲: ۲۹۷-۲۹۳.

۴۴. صفوی، نوابه (۱۲۹۹)، *دبیاچه، عالم نسوان*.
۴۵. عشقی، میرزاده (۱۲۹۹)، «کفن سیاه یا شاهزاده خانم ایرانی در خرابه‌های مداین»، *نامه بانوان*، سال اول، شماره ۱: ۹۸.
۴۶. عفت‌زمان (۱۳۳۱ ق)، «اشعاری است که سرکار علیه عفت زمان... فرمودند»، *شکوفه*، سال اول، شماره ۱۲: ۴۸.
۴۷. عمید سمنانی، مریم (۱۳۳۰ ق)، *شکوفه، دبیاچه*.
۴۸. کحال، ؟ (۱۳۲۸ ق)، *دانش، دبیاچه*.
۴۹. کسمایی، شمس (۱۳۴۰ ق)، «نسوان مسلمان شده»، *جهان زنان*، سال اول، شماره ۵: ۹۲.
۵۰. مبینی شورستانی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در ادبیات دوره قاجار»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عباس زارعی مهرورز، استاد مشاور: اکرم محمدی، قهرمان شیری، دانشگاه بوعلی سینا*.
۵۱. محمودی، م (۱۲۹۹ الف)، «شرکت مردان در خانه‌داری لازم است»، *عالم نسوان*، سال اول، شماره ۶: ۱۱.
۵۲. محمودی، هما (۱۲۹۹ اب)، «چرا ما ترقی نکرده‌ایم»، *عالم نسوان*، سال اول، شماره ۳: ۲۵-۳۰، شماره ۴: ۲۸-۳۲.
۵۳. منگنه نورانی، نورالهدی (۱۳۰۲)، «لزوم تربیت نسوان»، *جمعیت نسوان وطن‌خواه*، سال اول، شماره ۱: ۴.
۵۴. میردامادی، فرزانه (۱۲۹۹)، «بیدار شوید»، *عالم نسوان*، سال اول، شماره ۴: ۳۵.
۵۵. میلاد افندی (۱۳۰۱)، «ترقی عالم نسوان»، ترجمه از مجله شریعه الخدر، *زبان زنان*، سال چهارم، شماره ۴ و ۵: ۹.
۵۶. هدایت، ف. ل. (۱۳۰۲)، «اخلاق و عاطفه و اتحاد»، *جمعیت نسوان وطن‌خواه*، سال اول، شماره ۱: ۱۰.
۵۷. یانک (۱۳۰۲)، «عروسی در سن صباوت»، *عالم نسوان*، سال چهارم، شماره ۳: ۱.

